

همه چیز برای خدا

۵۳ - قل انفقوا طوعاً او كرهاً لن يتقبل منكم انكم كنتم قوماً فاسقين
 : بگو با آنها : خواه از روی میل و رغبت اتفاق کنید یا بکراهت ، هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد زیرا شما گروه فاسقی بودید .

۵۴ - وما منعمهم ان تقبل منهم نفقاتهم الا انهم كفروا بالله ویرسوله و لا یأتون الصلوة الا وهم كسالی ولا ینفقون الا وهم كارهون .
 : جهت اینکه اتفاق آنها پذیرفته نشده است ، اینست که آنها بخدا و رسول او کفر ورزیده اند (منکر شده اند) و نماز را بحالت کسالت بجا می‌آورند و (در راه خدا) بکراهت و بی‌رغبتی اتفاق مینمایند .

۵۵ - فلا تعجبك اموالهم ولا اولادهم انما یرید الله لیعذبهم بهافی الحیوة الدنیا و ترهق انفسهم وهم كافرون .
 : اموال و اولاد آنها موجب اعجاب تو نگردد ، خدا می‌خواهد بوسیله آنها دردناک عذابشان کند ، و در حال کفر جان بدهند .

۵۶ - و یجلسون بالله انهم لمنكم ولكنهم قوم یفرقون .
 : بخدا سوگند یاد می‌کنند که آنها از شما هستند ، ولی (دروغ می‌گویند) هرگز از شما نیستند ؛ بلکه آنان گروهی هستند که (از نیروی شما) می‌ترسند .

۵۷ - لو یجدون ملجئاً او مغارات او مدخلالوا الیه وهم یجمعون
 : هر گاه پناهگاه و مخفی گاهی پیدا کنند ؛ و با گریز گاهی بدست آورند با کمال سرعت بسوی آن روی آورند .

نقاط قابل دقت در آیات فوق .

۱ - چرا اتفاق منافقان پذیرفته نشد؟

۲ - ثروت و فرزندان برای آنان وسیله سعادت نبود .

۳ - دروغ پردازی منافقان بر اثر ترس از نیروی مسلمانان .

در اجتماعات متمدن بشری يك اصل مسلم پیوسته بچشم می‌خورد ، و آن اینکه همواره بایست طریقه متمکن و قدرتمند اجتماع در فکر افراد بیچاره و افتاده باشد هر گاه بلاهاتی

بهر مترقب آسانی و زمینیک قسمت از جامعه را قلع نمود باید با تمام نیرو و بکفک آسبید دیدگان شناخت و خرابیها را ارمیم نمود.

ولی باید در این باره اندیشه که مهران انسان برای اقدام چنین کارها چه باید باشد ؟ و از چه راه باید مردم به نیکوکاری تحریک شوند ؛ این نشئه از تقاضای است که مکتب اسلام از اساتذ مکتب اجتماع و ملی فریادزی دارد ؛ و در اسلام هر عمل نیک و هر نیکوکاری را تسبیرد ؛ و هر کار خیر و نیکوکار و ثواب میدهد و تا کار نیک و عمل خودمندی با یک سلسله شرایط ؛ توأم نباشد در مکتب قرآن اودش ندارد و نیک شرح منساب :

۱ - گروهی تصور میکنند که رمز ناه اجتماع نیکوکاری رسیدگی بیستفا افتاد و نچیده است و طبقه مردم جامعه هرگاه بخواهند آسوده زندگی کنند و تداوت قضای خود را خوب برسانند ناگزیرند که وضع طبقه کارگر و بیچاره رسیدگی کنند ؛ و تا آنجا که ممکن است ؛ رضایت خاطر آنها را دوست آورند ؛ زیرا در غیر این صورت ؛ طبقه ضعیف کفش ؛ با یک حسرتی و دمار از روزگار نروستندان بر میاورند ؛ و تعلیمات اخلاقی از قبیل عزت نفس و مناعت طبع از نظر تأثیر محدود است ؛ هنگامیکه کار باستانخوان برسد ؛ تمام این تدبیرها پاره میشود و جوش و جردش گردد ؛ بیچاره و نیازمند اجتماع ؛ تمام مرزهای اخلاقی در روانی را از بین میبرد .

برای اینکه نروستندان طبقه ممتاز اجتماع خوب و آسوده زندگی کنند ، و از مظاهر زندگی حداکثر استفاده مادی را ببرند ؛ با استخوان ؛ فراگیری برای سوم از قبول بیمارستان و پرورشگاه ، و مدارس بسیارند ؛ لیکن کمال آنها بییه کنند ، و با کارگران زاهد درآمد مؤسسات بزرگ صنعتی خریدارند ؛ و در هوا عوامل دیگر ، واکه رضایت طبقه رنجبر را تأمین مینماید ؛ بر وجود آنند .

سکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این ضرورت فکر ؛ اگر چه با پیوستن نغمه های انبیا حکم میسازد ؛ در مابین و ملاقه انسانها برپا و جامعه متوجه نموده و روح اجتماع را در انسان نیرومند مینماید ؛ ولی در شایان طرز تفکر دیگری و حسب ذات است ؛ زیرا مردم نیکوکار از آنجا که خود را دوست میدارند ؛ و به تضایات و از راه قرابح مسلمان خود کتبلا ملاقه دارد ؛ و نیل با مال و آرزوهای مادی خود را برین بدرگرو تمام و دستگیری از طبقه محض اجتماع میداند . - از این لحاظ - دست به اتفاق در تمام ، و تأسیس مؤسسات خیریه مینماید ؛ و اگر ما بخواهیم این مسئله را در جمله کوتاهی بکنیم ؛ بایست بگوئیم این طرز تفکر عبارتست از : خدمت با اجتماع در بر تو حسب ذات و بقائه شخصیت . و این سخن فکر دوسر را اساس دارد .

اول ؛ هرگاه تمام خدمات ما در بر تو ملاقه شخص قرار گیرد ؛ و هر کس جز آن نداشته باشیم ؛ در چنین صورت با همه استعدادهای انسانی با بخواهیم ، و در این وجه و در (بقیه در ص ۵۷)

و شفت : جوایف و علائق و برادری منورس قائل نشویم : و تمام این صفات بزرگ روحی را از برنامه زندگی خود حذف کنیم ؛ و روح عالی انسانی خود را بک روح حیوانی تبدیل سازیم ، و در این موقع یک حیوانی ششپایه که تمام هستی را برای خود خواسته ؛ و غیر از حب ذات هدفی دیگر نخواهد داشت بلکه میتواند گفت که در میان چهار پایان و پرندگان منقاری برای این جمال جنیده پیدا میشود ؛ زهی بدبختی و تبه کار است که انسان با آن کمالات و آن صفات عالی خود را بتدریج تنزل دهد که کمتر از حیوانات گردد .

دوم : جلوس مسلم کمکیا دنیا و ایاتی که در حقیقت آنرا علائق شخصی تشکیل دهد : دوام پذیر نیست ؛ زیرا هر گاه حکومت سرمایه داری ، پایه های ریاست خود را محکم و استوار بنماید و بتواند با تجهیزات مادی تمام مدها را در گنوا حقه کرده ، و جنبش ها و نبضت های طبقه و تجر را نارومار سازد ؛ و چنین موقعیت هیچ محرکی برای تأسیس مؤسسات خیریه ، و شرکت های تعاونی ندارد ؛ و ناچار باید طبقه اقتدار ، با وضع رفتاری بسریزند .

در اثر مستقیم همین روح مادیگری است که امروز در کشورهای که روح مادیگری در آنها حکمفرماست ناچارند برای جمع آوری اعانی بزرگ صیبت زدگان و آفت دیده گان دست بنایس مجالس خوشگذرانی و شهربانی بزنند ؛ و با انعام مجالس رقص ؛ و راه انداختن گاردن پارتنی و اجرا بر انعاماتی که با موسیقی سازند آنگاه است ، سالنی از تماشاچیان و شرکت کنندگان بگیرند ؛ و پس از کسر محتاج با انعامه و با بیلا دیدگان اختتام دهند . این همان روح مادیگری روح ذات شخصی پرستی است ؛ که حاضر نیست بهیچ عنوانی ؛ در وقع نیازمندی های دردمندان خرج کند ، مگر در آنجا در مقابل آن مبلغ یک نفع شخصی ؛ یک لذت نفسانی داشته باشد در حالیکه ضروری اخلاقی این موضوع از منافع اقتصادی آن برعکس بیشتر است .

شش گانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عالمی ترین برنامه های انسانی

اسلام که یک مکتب عالی انسانی و اخلاقی است ؛ معتقد است که تمام کمکها بایست یکدسته معنی ؛ و محقق گردانی داشته باشد ؛ علاوه بر اینکه حفظ و بقا اجتماع را میخواهد ، به پرورش دادن صفات فردی اسلاقی مانند رحم و مروت و ... علاقه تامی دارد و لذا تمام اشاقا را در تحت شرایط معین میپذیرد ، کردار افراد را کاروا باطل میداند ؛ و اعمال کسانی را که محرز آنجا جلب توجه مردم و تشبیه خوشنامی گرد باشد بوجوبی ارزش داشته است . او معتقد است که بایست سرچشمه تمام حیرات و عبرات خدا و جواب رضایت او باشد ، و با کمال رعایت بدون اینکه امیال و توجهات مردم را در نظر بگیرند ، دیون واجب و مستحب خود را ادا کنند .

در آیات ۵۳ و ۵۴ میفرماید : انما می دان ما غنی قبول نمیشود و بر آدان ؛ کفر و ابوالله